

بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان و جوانان

<?xml encoding="UTF-8">

مفهوم شناسی بزه و بزهکار

بزه، به سرکشی فرد در برابر اراده اجتماع که به وسیله مقررات تعیین شده است، گفته می شود و بزهکار، کسی است که مرتکب عملی می شود که بنابر قانون برای آن مجازاتی معین شده است. از نظر روان شناسان، گروه بزهکار در شمار یکی از گروه های متنوع ناسازگاران اجتماعی هستند و از نظر حقوق دانان، گروه بزهکار کسانی هستند که به انجام دادن هر کار یا ترک کاری که برابر قانون، مجازات دارد، دست می یازند.

عوامل اثرگذار بر بزهکاری نوجوانان و جوانان

براساس پژوهش های انجام شده، سه عامل در بزهکاری نوجوانان تأثیر بسزایی دارد: خانواده، مدرسه و اجتماع.

1. خانواده، با داشتن یکی از ویژگی های زیر، نقشی پررنگ در ناهنجاری اخلاقی و اعتقادی فرزندان ایفا می کند:

(الف) رفتاری بی ثبات والدین با فرزند؛

(ب) پای بند نبودن خانواده به ارزش های اخلاقی و اعتقادی؛

(ج) تبعیض و تفاوت گذاشتن میان فرزندان؛

(د) درگیری ها و اختلاف های خانوادگی و رفتارهای نادرست خود والدین؛

(هـ) طلاق والدین.

2. مدرسه

3. اجتماع که خود شامل این زیر مجموعه هاست:

(الف) شرایط محیطی و ساختار شهری نابسامان؛

(ب) اقتصاد ناسالم؛

(ج) رسانه های گروهی: رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات.

پیام متن

خانواده نابسامان، مدرسه نامناسب و اجتماع ناسالم، از عوامل اصلی ایجاد و بروز بزهکاری در نوجوانان و جوانان هستند.

1. خانواده

(الف) رفتار بی ثبات والدین با فرزند

تعداد زیادی از بزهکاران در خانواده هایی بزرگ شده اند که از محبت والدین محروم بوده اند و بیشتر وقت ها میان اعضای خانواده ناسازگاری، کدورت و درگیری وجود داشته است. «به طور کلی، 91 درصد نوجوانان بزهکار از اختلافات شدید عاطفی رنج می برند. خشونت، کمبود محبت و تحقیر فرزندان از سوی والدین از وضع خانواده

هایی است که بیشتر نوجوانان بزهکار در آن به سر می‌برند. کمبود محبت، شخص را به انتقام جویی هدایت می‌کند. از سویی، محبت زیاد و غیر منطقی یا دور نگه داشتن کودک و نوجوان از دیگران سبب می‌شود که کودک، خود را در شمار آدم‌های معمولی نداند و از هم سالانش کناره‌گیری کند و روش اجتماعی زندگی کردن را نیاموزد. در نتیجه، شخصیت منحرفی پیدا کند. برای نمونه، اگر از آغاز خردسالی، هر چه کودک بخواهد در اختیارش بگذارند، در حقیقت، به طور غیر مستقیم به او زورگویی و تجاوز را یاد می‌دهند و به تدریج، این حالت در وی تقویت می‌شود و در دوران بزرگ سالی می‌کوشد به حقوق دیگران تجاوز کند. چنین افرادی هستند که رفتار ضد اجتماعی پیدا می‌کنند و بزهکار می‌شوند.

پیام متن

محبت نکردن یا زیاده روی در محبت به فرزندان، بزهکار شدن فرزندان را در پی دارد.

ب) پای بند نبودن خانواده به ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی

پای بند نبودن خانواده به اصول و ضوابط اخلاقی و اعتقادی، عامل مؤثر در گسترش بزهکاری نوجوانان است. در ایران، بیشتر بزهکاران از خانواده‌هایی هستند که به ارزش‌های دینی و اعتقادی و اخلاقی پای بند نیستند. در حقیقت، کودکان مفاهیم اخلاقی درست و نادرست را براساس ارزش‌ها و باورهای والدین خود در کودکی می‌آموزند. از طرفی، خانواده‌هایی که اصول اخلاقی و اعتقادی را رعایت نمی‌کنند، ارزش‌هایی که به نوجوانان یاد می‌دهند، ضد ارزشند و وجدان اخلاقی آنان به گونه‌ای مناسب رشد نمی‌یابد.

خانواده‌هایی که در روابط فامیلی و خانوادگی حریمی برای پوشش یا برخورد خود قائل نیستند و خانواده‌ای که از حضور ماهواره و فیلم‌های ضد اخلاقی در خانه خود ابایی ندارد، در واقع، بذر کجروی و انحراف‌های اخلاقی و بزهکاری را در ذهن و روان فرزندان خود می‌کارد.

پیام متن

از کوزه همان برون تراود که در اوست، فرزندان ما آن چیزی نمی‌شوند که ما می‌خواهیم، بلکه آن گونه می‌شوند که ما هستیم.

ج) تبعیض و تفاوت گذاشتن میان فرزندان

بیشتر والدین به فرزندان خوب خود بیش از اندازه محبت می‌کنند و پاداش مادی و معنوی بسیار می‌دهند و به فرزندان بد خود بی‌مهری می‌کنند و خشونت نشان می‌دهند، بی‌خبر از آنکه چنین فرزندانی، این رفتار والدین با خود را تبعیض و بی‌عدالتی می‌دانند. در نتیجه، درصد تلافی‌برمی‌آیند و در برابر این گونه رفتارها واکنش نشان می‌دهند.

تبعیض والدین میان فرزندان، مقایسه فرزندان با یکدیگر و با دوستان و آشنایان، تحقیر و سرزنش‌های پی‌درپی کودکان در حضور جمع و دوستان، به احساس ناامنی، پایین آمدن خودباوری، ایجاد حس حسادت میان فرزندان، نگرانی، ترس و گریز از خانواده در فرزند می‌انجامد. اینها خود عواملی هستند برای گرایش نوجوان به ناسازگاری با محیط اجتماعی و خانواده و در نهایت، گرایش به کجروی و بزهکاری.

پیام متن

وجود تبعیض و بی‌عدالتی میان فرزندان، بذر کینه و دشمنی را در دل آنان می‌کارد و به آنها روحیه‌ای ناسازگار می‌دهد و در نتیجه، زمینه بزهکاری در آنان فراهم می‌شود.

د) درگیری‌ها و اختلاف‌های خانوادگی و رفتارهای نادرست والدین

ریشه بسیاری از ناسازگاری های جوانان را باید در منش و رفتار والدین آنها در دوره نخست کودکی جست. هنگامی که جوان با مسائل زندگی رو به رو می شود، واکنش هایی نشان می دهد که منبع الهام آنها، واکنش های والدین او در چنین وضعی بوده است.

در این میان، رفتار پرخاشگرانه والدین، بیشتر از راه دیداری و تقلید آموخته می شود و آثار روانی محیط ناآرام خانواده در دوران کودکی و دوران بلوغ با انواع ناهنجاری ها و بیماری های روانی ظاهر می شود. مشاجره همیشگی پدر و مادر و اطرافیان، آثار شومی بر روان فرزند به جا می گذارد. محیط بی صفای خانوادگی، درگیری های لفظی، فقر فرهنگی، بی سوادی والدین، بی نظمی در امور زندگی، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، از عواملی هستند که شایستگی و ارزش کانون خانواده را نزد فرزندان خدشه دار می کنند. در چنین وضعی، نوجوان به سبب نداشتن آرامش روانی، به تحصیل و کار خود بی علاقه می شود و همواره نگران و پریشان است و ثبات روحی ندارد. آثار این ناراحتی، بعدها در سال های بلوغ و بزرگ سالی به صورت عصیان و پرخاشگری ظاهر می شود و او را به ارتکاب جرایم گوناگون وا می دارد.

پیام متن

1. محیط خانوادگی، نخستین و مهم ترین الگوی رفتاری فرزندان است که باید در حفظ و آرامش هرچه بیشتر آن کوشید.

2. ریشه بسیاری از ناهنجاری های اخلاقی فرزندان و بزهکاری ها را باید در نابسامان بودن احوال خانواده ها جستجو کرد.

هـ) طلاق والدین

کودکی که از دیدار مادر محروم است و پدر را نیز حامی واقعی خود نمی بیند، لحظه هایش را با ترس، ناامنی، نگرانی و ناامیدی سپری می کند. ادامه یافتن این روند به پیدایش رفتارهای عصبی، حالت های پرخاش گرانه و به فرار از خانه و مدرسه می انجامد. در این میان، به سبب احساس ناامنی و ناخشنودی فرد در خانواده و جامعه، برای دوری از این وضع به گروه ها و دوستانی پناه می برد که گاه عامل و زمینه ساز انحراف و بزهکاری در وی می شود و از او شخصی خطاکار و بزهکار می سازد.

پیام متن

طلاق در اسلام، پدیده ای زشت و ناپسند است. دلیل این مسئله را نیز در آثار ویران بار آن بر رفتار و اخلاق فرزندان می توان یافت.

2. مدرسه

الف) رفتار نامناسب معلم

محیط مدرسه در شکل دهی شخصیت دانش آموزان نقش بسزایی دارد و بخشی از سرنوشت آینده دانش آموز، در مدرسه رقم می خورد. بسیاری از انسان های بزرگ، وام دار معلمان خوب و شایسته هستند و ریشه موفقیت خود را در پرورش یافتن در مدرسه ای اخلاق مدار و دانش محور می دانند. ریشه بسیاری از بزهکاری ها و ناهنجاری های رفتاری را نیز در همین مدرسه باید جست وجو کرد. ناکارآمدی معلم، تبعیض و بی عدالتی مربیان میان دانش آموزان و تحقیر و اهانت به آنان، از عواملی است که دل سردی دانش آموز را از محیط مدرسه در پی دارد و او را از محیط آموزش و پرورش گریزان می کند. در نتیجه، زمینه را برای ارتکاب انواع خلاف ها و جرم ها برای

وی فراهم می آورد.

پیام متن

مدرسه خوب، شخصیتی مثبت به دانش آموز می بخشد و مدرسه بد، شخصیتی منفی.

3. اجتماع

الف) اقتصاد ناسالم

عامل اقتصادی نقش مهمی در بزهکاری نوجوانان دارد. پژوهشگران درباره چگونگی اثرگذاری عامل اقتصاد، دیدگاه های گوناگونی دارند. گروهی تضاد طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت و برخی فقر و تهی دستی و عده ای تمایل به ثروتمند شدن در عین بی کاری را عامل جرم می دانند. به طور کلی، فقر، در زیر مجموعه اقتصاد، یکی از عوامل اصلی ارتکاب جرم و بزهکاری به ویژه در نوجوانان و جوانان به شمار می رود. البته در این میان، نقش اراده شخص را در روی نیاوردن به بزهکاری نباید نادیده گرفت؛ زیرا حتی انسانی که در بدترین وضع اقتصادی به سر می برد، می تواند با داشتن اراده و توکل بر خدا، خود را از پی آمدهای زیان بار آن حفظ کند و همواره راه درست را برای خود برگزیند.

پیام متن

میان فقر و تهی دستی و ارتکاب جرم و بزه، گاه ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

ب) رسانه های گروهی

رسانه های گروهی مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات از جمله عواملی هستند که در تربیت، هدایت و بالا بردن شعور اجتماعی کودکان و نوجوانان نقش مؤثری ایفا می کنند و اگر جهت آن بر خلاف خیر و صلاح عمومی جامعه باشد، کجروی، فساد و بزهکاری را در پی خواهد داشت. در این زمینه، سینما و تلویزیون به سبب جذابیتشان اثرگذاری بیشتری دارند.

سینما نوعی وسیله ارتباط جمعی است. وقتی شخص کتاب می خواند، امکان آن را دارد که کتاب را هر لحظه کنار بگذارد و درباره آن بیندیشد، ولی هنگام تماشای فیلم، شخص کاملاً جذب آن می شود، به گونه ای که مجال و توانایی دخالت اراده و فکر برای مدتی از دست او می رود و حتی گاه خود را مشابه شخصیت های فیلم می سازد. این تأثیر، بر روی نوجوانان و جوانان و افراد کم دانش بیشتر است.

به دلیل اثرگذاری قوی و انکارناپذیر رسانه های گروهی بر روی مخاطبان، در صورتی که این رسانه ها با باورهای دینی و فرهنگ بومی ناهماهنگ و بر خلاف باورهای اسلامی مردم باشند، به عنوان عاملی برای فراهم آوردن جرم و بزه برای مخاطبان خود، به ویژه نوجوانان و جوانان عمل می کنند.

پیام متن

زمینه برخی از ارتکاب جرم ها و بزه ها را در جامعه، رسانه های گروهی ناهنجار و ناهماهنگ با ارزش های اخلاقی و دینی ایجاد می کنند.